

گزارش

پزشکیان در دیدار با مدیران مسئول رسانه‌ها:

امروز از لحاظ منابع آبی

در بحران جدی و غیرقابل تصویری هستیم

مسعود پزشکیان صبح روز یکشنبه، ۱۹ مرداد، در نشستی با مدیران رسانه، به مناسبت فرارسیدن روز خبرنگار اظهار کرد: بر اصول کاملاً معتمد و باور دارم. همان‌گونه‌که اصول دین، بنیاد اعتقادات ما را شکل می‌دهد، در کنار آن فروغ دین نیز وجود دارد و برخی مسائل حتی جزء فروغ هم نیستند و نباید بر سر آنها اختلاف ایجاد شود، اما از اصول نباید کوتاه آمد. به گزارش ایسا، رئیس‌جمهور با اشاره به تنوع دیدگاه‌ها و نظرات در جامعه گفت: مباحث مختلفی در این زمینه مطرح است و نمونه بارز آن را می‌توان در ساختار یک خانواده مشاهده کرد. فرزندان من حاضر بودند و هستند در سخت‌ترین شرایط مانند بیماران و جنگ ۱۲ روزه همواره همراه من باشند، اما در برخی موضوعات، نظر متفاوتی دارند و حتی با وجود همراهی فیزیکی، مخالفت و چالش فکری خود را بیان می‌کنند. پزشکیان تأکید کرد: همه ما نظرات و دیدگاه‌های خاص خود را داریم و این تفاوت نظر امری طبیعی است. بحث بر سر این است که اصول را باور داشته باشیم که اگر کسی به اصول معتقد نباشد، موضوع متفاوت خواهد بود. رئیس‌جمهور با تأکید بر جایگاه رفیع رهبری در نظام سیاسی کشور، بیان کرد: مقام معظم رهبری ستون و پایه نظام هستند و اگر موضوعی مطابق نظر ایشان باشد، باید از آن تبعیت کرد. هیچ سیاستی در ارتباطات بین‌المللی و مذاکرات، بدون هماهنگی با رهبری از سوی دولت مطرح و پیگیری نمی‌شود و این امر شعاری نیست، بلکه از اصول و بنیان‌های انسجام ملی و مبنای عمل دولت چهاردهم است. پزشکیان وحدت را اصل و محور همه مسائل کشور دانست و گفت: اگر پایه‌ها و چارچوب انسجام ملی خدشه‌دار شود، کشور آسیب خواهد دید. مسائل فرعی در برابر اصل وحدت، انتظار برای ایجاد اختلاف، یا در دوران جنگ و بمباران‌ها، دشمنان انتظار داشتند در کشور شورش و اختلاف ایجاد شود و امروز نیز همچنان به این مسئله دل بسته‌اند. رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: هیچ‌کس نمی‌تواند خود را حق مطلق و دیگران را کفر مطلق بداند. در جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم حتی افرادی که در زندان بودند، برای دفاع از کشور بیانهی صادر کردند. باید دل‌ها را نسبت به دیگران و همسایگان گشود، با دشمنان اصلی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مقابله کرد و به جای انتظار برای افزود: باید به صورت مشخص پی‌ریسم راهاکن چجست؟ آیا با پزشکیان در ادامه با اشاره به برخی موضوعات مطرح‌شده از سوی حاضران، گفت: چند مسئله ازجمله جابه‌جایی پایتخت مطرح شد، اما باید پرسید چگونه بدون برنامه‌ریزی و آئیندنگری، تهران، کرج و واشیه‌های این شهرها توسعه یافته‌اند. امروز با کاهش ۴۵درصدی بارندگی و خالی‌شدن پشت سدها، منابع آبی ما در حال نابودی است. رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت یافتن راهکارهای عملی برای رفع این چالش‌ها، افزود: باید به صورت مشخص پی‌ریسم راهاکن چجست؟ آیا با شعاردادن، تقدیرکن و ایجاد توقع می‌توان مشکلات را حل کرد؟ امروز طرح انتقال آب از طالقان در حال اجرا است، چراکه در تهران، کرج و قزوین با بحران جدی آب‌رسانی مواجه هستیم و باید پاسخ‌گو باشیم. نمی‌توان آب را با تانکر جابه‌جا کرد و به در خانه مردم رساند؛ این است، با بحرانی انکارناپذیر و جدی روبه‌رو هستیم که نباید به‌اسانی چشم بر آن بست. پزشکیان با انتقاد از سوءمدیریت‌های گذشته تصریح کرد: امروز باید پرسید که کسانی که مدیریت نکرده‌اند و عامل بروز مشکلات بوده‌اند، چگونه می‌توان مسائل را حل کرد؟ دولت اکنون با همکاری دانشگاهیان، فعالان محیط زیست و دستگاه‌های اجرایی به دنبال یافتن راه‌حل برای این چالش است. حتی دستور دادم از آبیاری چمن‌ها و فضاهای سبز در شهرها و ساختمان‌ها دولتی جلوگیری شود تا در مصرف آب صرفه‌جویی شود. رئیس‌جمهور با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفت: وضعیت دلخوارخرج دولت روشن است، در دوران جنگ، بسیاری از منازل مردم، تاسیسات و مناطق نظامی و واحدهای صنعتی آسیب دیدند و بمباران شدند و حل این مشکلات با منابع محدودی که در اختیار داشتم، کار ساده‌ای نبود. پزشکیان با انتقاد از شیوه تخصیص یارانه سوخت افزود: امروز چند میلیارد دلار برای واردات بنزین تخصیص می‌یابد، درحالی‌که نباید قشری که نیازی به بنزین یارانه‌ای ندارند، بنزین هزارو ۵۰۰تومانی مصرف کنند. این در حالی است که می‌توان با مدیریت این منابع، معیشت افراد نیازمند را تأمین کرد و با حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مانع شکل‌گیری نارضایتی شد. رئیس‌جمهور تأکید کرد: باید تمام توان دولت صرف حل مشکلات مردم شود و این اصل را در همه برنامه‌ها و تصمیمات اجرایی مدنظر قرار می‌دهیم. پزشکیان در پاسخ به انتقاد از بازدیدهای سرزده از وزارتخانه و مراکز دولتی، اظهار کرد: هرگز در بازدیدهای سرزده به دنبال نمایش نموده و نیستیم و حتی هیچ گروه خبری را همراه خود نمی‌بریم. برای مثال بازدیدهای به سازمان برنامه و بودجه مراجعه کردم تا بودجه‌ریزی سال ۱۴۰۵ به مدل عملیاتی تغییر یابد. معتقدم باید نظام پرداخت براساس عملکرد و اثربخشی یکی از محورهای اصلی بودجه‌ریزی سال ۱۴۰۵ باشد. رئیس‌جمهور با انتقاد از تخصیص منابع به مؤسسات و مراکز بدون خروجی مشخص، گفت: بسیاری از مؤسسات و بنیادها بودجه دریافت می‌کنند، بدون آنکه خروجی ملموسی در جامعه داشته باشند. درحالی‌که در تأمین معیشت مردم با مشکل روبه‌رو هستیم، منابع مالی صرف امور دیگری می‌شود. معتقدم تا زمانی که نان مردم تأمین نشده، اولویت باید با معیشت باشد و حتی اگر لازم است از کالابرگ استفاده شود. توسعه بدون تأمین نیازهای اساسی ممکن نخواهد بود و حل مشکلات نیز به این سادگی نیست. پزشکیان تأکید کرد: امروز حتی با دختر خودم هم نمی‌توانم با زبان زور صحبت کنم و باید با گفت‌وگو و همراهی، موضوعات را پیش برد. نباید به دنبال دین‌دار کردن اجباری مردم باشیم. باید آنان را به سمت هدایت سوق دهیم. نه اینکه به ربا رفتارهای نادرست در جامعه تنفر ایجاد کنیم. در جریان جنگ ۱۲ روزه، افرادی با پلاکاردهای «جانم فدای رهبر» و «مرگ بر اسرائیل» به خیابان آمدند و از کشور دفاع کردند که تصور آن را هم نمی‌کردیم. سال ۱۴۰۱ را به یاد بیاورید که به دلیل یک اشتباه، به رهبری بی‌احترامی شد، اما امروز در تمام تجمعات بدون استثنا همه از رهبری دفاع کردند و «جانم فدای رهبر» گفتند. این تفاوت، یک دستاورد است. اقدام سال ۱۴۰۱ یک رویداد بود و اقدام سال ۱۴۰۴ رویدادی دیگر. رئیس‌جمهور افزود: معتقد به بی‌حجابی نیستم و نخواهم بود، اما با زورگویی و تحمیل مخالفم و چنین روشی را بلد نیستم. حل مسئله حجاب باید از مسیر مدرسه و مسجد آغاز شود. بسیاری از روحانیون در مساجد و مدارس حضور دارند و رسانه ملی نیز باید با فرهنگ‌سازی و تولید محتوای درست، در این زمینه نقش آفرینی کند. موضوع حجاب در خیابان حل‌شدنی نیست. البته معتقدم برهنگی هم امری پسندیده نیست و باید چارچوب داشته باشد. همان‌گونه که در سراسر دنیا چارچوب دارد. پزشکیان با استناد به آیه «ولا تستوی الحسنة ولا السیئة ادفع بالی التي احسن» تأکید کرد: حل این مسئله باید با موعظه حسنه و بهتری شیوه ممکن انجام شود، زیرا مشکل اصلی امروز جامعه بی‌عدالتی، فقر و تورم است که موجب عقب‌گرد روزافزون کشور شده است. رئیس‌جمهور تأکید کرد: تسلیم‌شدن در ذات ما نیست، اما باور من این است که با دعوایم به جایی نمی‌رسیم. همان‌گونه که امیرالمومنین (ع) فرموده‌اند که به صلحی تو را دعوت کردند، آن را رد نکن. نباید احساسی برخورد کرد. پزشکیان با تأکید مجدد بر هماهنگی کامل تصمیمات دولت با مقام معظم رهبری اظهار کرد: هر اقدامی با رضایت و هماهنگی مقام معظم رهبری انجام خواهد شود. از نظر علمی و اعتقادی معتقدم کاری را که خلاف نظر مقام معظم رهبری باشد، نباید انجام داد و انجام هم نخواهم داد. هنگامی هم که نظر مقام معظم رهبری عنوان شد، دیگر نباید تهاجم‌گری کرد، بلکه باید به نفع مصلحت کشور و مردم سخن گفت. رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: امروز با کمک رسانه‌ها و همراهی مردم می‌توان در حل نازاری‌ها و چالش‌ها گام برداشت. تمام توجه دولت این است که هیچ تصمیمی نباید موجب زیر پا گذاشته‌شدن حقوق محرومان شود.

مهدی بازرگان:توافقات انجام‌شده میان ارمنستان و آذربایجان با میانجیگری آمریکا، فصل جدیدی را در معادلات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز گشوده است. در این میان، ایران به عنوان همسایه استراتژیک این منطقه با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های پیچیده مواجه شده است که تحلیل دقیق منافع تهران در این فرایند، اهمیت بسزایی دارد. نخستین و برجسته‌ترین موضوعی که باید مد نظر قرار گیرد، این است که مسیر اتصالی آذربایجان به نخجوان، تحت مدیریت آمریکا قرار خواهد گرفت. لذا این کریدور، فارغ از مزایای اقتصادی بالقوه برای طرف‌های درگیر، در واقع زمینه‌ای برای حضور مستقیم و بلندمدت آمریکا در شمال غربی ایران فراهم می‌آورد. از منظر تهران، این حضور نه‌تنها تضعیف‌کننده نقش منطقه‌ای تهران است، بلکه تهدیدی برای امنیت ملی و ثبات مرزی محسوب می‌شود. ایران همواره به عنوان قدرتی منطقه‌ای، مخالف هرگونه افزایش نفوذ فرامنطقه‌ای در همسایگی خود بوده و این اقدام عملاً به منزله ایجاد «پلی» میان آمریکا و مرزهای شمال کشور است. در بُعد دیگر امنیتی، حضور پیمانکاران و نیروهای آمریکایی در کریدور جدید موسوم به «مسیر ترامپ» (TRIPP)، می‌تواند به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بروز ناپایداری‌های امنیتی دامن بزند. ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های متعدد در شمال غرب خود، به‌ویژه درباره اقلیت‌های قومی و مسائل امنیتی مواجه بوده است؛ لذا هرگونه تغییری در معادلات منطقه‌ای که منافع امنیتی ایران را به خطر بیندازد، می‌تواند به پیچیده‌ترشدن اوضاع دامن زند و زمینه‌ساز درگیری‌های جدید شود. از منظر ژئوپلیتیکی نیز تبیین روابط نزدیک‌تر میان آذربایجان، ترکیه و آمریکا، جبهه‌ای تازه و هماهنگ علیه نفوذ ایران در منطقه شکل می‌دهد. ترکیه و آذربایجان با حمایت واشنگتن به دنبال افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود هستند؛ امری که تهران را با رقابتی پیچیده و چندسطحی مواجه می‌سازد. این هم‌گرایی غرب و متحدان منطقه‌ای‌اش، علاوه بر تضعیف دیپلماسی و نفوذ ایران، می‌تواند منجر به افزایش فشارهای امنیتی و سیاسی در مرزهای شمال غربی شود. علاوه بر معضله امنیتی و ژئوپلیتیکی، این کریدور می‌تواند بازتعریفی در جریان‌های اقتصادی منطقه به وجود آورد که جایگاه ایران در ترازیت کالا و انرژی را به‌شدت تضعیف کند. تهران در سال‌های گذشته با سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی مانند کریدور شمال- جنوب و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تلاش داشته است خود را به عنوان شاهراه تجاری میان آسیای مرکزی و بازارهای جهانی معرفی کند، اما اکنون کریدوری که آمریکا و متحدان منطقه‌اش مدیریت می‌کنند، این برنامه‌ها را به حاشیه می‌راند و ایران را از نقش محوری در شبکه‌های اقتصادی قفقاز جنوبی خارج می‌کند. با این حال، ایران در واکنش به این تحولات، احتمالاً سیاستی دوگانه در پیش خواهد گرفت: از یک سو تلاش می‌کند با تحکیم روابط خود با روسیه و دیگر بازرگان منطقه‌ای، نفوذ خود را در قفقاز جنوبی حفظ کند و آن را گسترش دهد و از سوی دیگر، در عرصه دیپلماسی و پشت پرده، با بازنگری حساب‌شده و هوشمندانه، مانع از یکجانبه‌شدن روند صلح و به حاشیه رفتن منافع خود خواهد شد. این سیاست موازنه‌سازی، در عین حال که نشان‌دهنده نگرانی‌های تهران است، فرصتی برای تهران برای بازتعریف جایگاه استراتژیک خود نیز فراهم می‌آورد. در نهایت، آنچه مشخص است، این است که توافقات اخیر اگرچه می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تنش در قفقاز جنوبی باشد، اما برای ایران حامل پیامدهای عمیق و پیچیده‌ای است که مدیریت آن نیازمند رویکردی دقیق، چندبعدی و هوشمندانه خواهد بود. تهران باید در سایه این تحولات، نه‌تنها منافع اقتصادی و امنیتی خود را حفظ، بلکه جایگاه ژئوپلیتیکی خود را به‌گونه‌ای تقویت کند که از تبدیل قفقاز جنوبی به عرصه رقابت بی‌رحمانه بازیگران فرامنطقه‌ای به زیان خود جلوگیری کند. پیرو نکات مذکور، شعیب بهمن، تحلیلگر مسائل اواراسیا، معتقد است ورود مستقیم آمریکا به مدیریت کریدور ترانزیتی قفقاز جنوبی، نقطه عطفی در رقابت‌های ژئوپلیتیک این منطقه است که منافع راهبردی ایران را به چالش می‌آورد. می‌کشد. به گفته او، تهران باید با رویکردی هوشمندانه و چندجانبه، جایگاه خود را در این تحولات پیچیده حفظ و تقویت کند. متن پیش‌رو، حاصل این کپ‌وگفت است.

●●●

جانب بهمن، آیا آن‌گونه که مطرح است، توافق سه‌جانبه آمریکا، آذربایجان و ارمنستان بر سر گزاره‌ای به نام مسیر

ترامپ، تحقق همان چیزی بود که به عنوان خط قرمز ایران برای تغییر معادلات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی مطرح شده بود؟
بله، هتاسفانه اتفاقی که نباید می‌افتاد، روی داد.
یعنی بازیگران دخیل توانستند خواسته خود را جلو ببرند؟
من معتقدم تحلیل را باید جور دیگری عنوان کرد، چون بی‌شک تحقق این پروژه صرفاً به دلیل بازیگری و بازی‌گردانی حامیان کریدور انجام‌نیز نبود، بلکه بخشی عمده دلایل وقوع

این اتفاق ناشی از انفعال و سیاست‌گذاری اشتباه در داخل خود ایران است و به همین واسطه ما شاهد اشتباه‌هایی در حوزه تصمیم برای منطقه قفقاز بودیم، البته باید این نکته مهم را هم مد نظر قرار داد که بازیگران منطقه‌ای و مشخصاً آذربایجان و ترکیه به عنوان حامیان جدی کریدور زنگرور به‌تنهایی قادر به پیشبرد و اجرای این پروژه نبودند، کمالیکه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در چندین سخنرانی به‌صراحت اذعان کرد تنها مانعی که باعث شده کریدور زنگرور محقق نشود، مخالفت جمهوری اسلامی ایران است. لذا چون قدرت تقابل و مخالفت با ایران را نداشتند، نهایتاً دست به دامان بازیگر یا ابرقدرتی به نام آمریکا شدند. ضمن اینکه باید عنوان داشت که آمریکایی‌ها از روز اول در پشت صحنه معادلات قفقاز حضور داشتند و فقط در این روزها و هفته‌های اخیر حضورشان آشکار و علنی شد. ولی به هر حال معادلات به سمتی پیش رفته بود که فقط با میدان‌داری آمریکا می‌توانستند پروژه زنگرور را که اکنون به نام مسیر ترامپ نام‌گذاری شده است، به منطقه تحمیل کنند و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی را تغییر دهند.
چه شد که الان این پروژه کلید خورد؟ آیا به دلیل آنکه ما درگیر معادلات بعد از تجاوز ۱۲ روزه و همچنین مذاکرات هسته‌ای، فعال‌سازی کم‌نیم‌سم ماشه، احتمال بازگشت تحریم‌ها و نظایر آن هستیم که فرصت برای بازیگران حامی این پروژه فراهم شده است؟

نه، صرفاً مسئله به معادلات بعد از تجاوز ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا برنمی‌گردد و دلایل و عوامل و پارامترهای متعددی دخیل بودند که اکنون این پروژه کلید خورد. بله، شاید در میان بازیگران و کشورهای منطقه‌ای و همچنین آمریکا و اسرائیل این تصور غلط وجود داشته باشد که بعد از این تجاوز، تهران در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به قبل قرار دارد، لذا در شرایط فعلی امکان پاسخ‌دهی مناسب و متقابل از سوی ایران برای هرگونه اقدامی مانند تحمیل کریدور زنگرور به نام مسیر ترامپ وجود ندارد و به همین واسطه کلان‌پروژه‌های حوزه ژئوپلیتیک، به‌ویژه در مجاورت مرزهای ایران، در حال کلیدخوردن است. کمالیکه مشابه پروژه زنگرور در سایر حوزه‌ها پیگیری می‌شود که علیه منافع جمهوری اسلامی ایران است.

مثلاً؟

مثلاً تصمیم نتانیاهو برای اشغال کامل نوار غزه یا تلاش‌ها برای خلع‌سلاح حزب‌الله لبنان و سایر تحکرات برای پیشبرد کریدور داوود در سوریه و نظایر آن؛ همگی در این چارچوب قابل بحث هستند. یعنی آن چیزی که به نام مسیر ترامپ توافق شده است، در این یکپج جامع قابل تحلیل هستند که همه این تحکرات صرفاً با هدف واردکردن ضربات بیشتر به منافع و ژئوپلیتیک ایران است. لذا این تصور غلط وجود دارد که ایران اکنون بعد از جنگ ۱۲ روزه در موقعیت ضعف قرار دارد که به نظر من بخش عمده آن نزدیک به واقعیت نیست. البته رقایی ما کماکان انگیزه‌های قبلی را برای تغییرات ژئوپلیتیک در مجاورت مرزهای ایران دارند که مهم‌ترین آن، دوزدن ایران و تخلیه ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و نیز افزایش فشارهای امنیتی و مرزی به کشور است. لذا تعریف و ترسیم کریدورهای جدید و مسیرهای ترانزیتی و مواصلاتی در شمال و جنوب ایران با هدف دوزدن تهران از قبل طراحی شده و کماکان در دستور کار است. ضمن اینکه اکنون یک انگیزه شخصی برای خود دونالد ترامپ در قالب دریافت جایزه صلح نوبل هم وجود دارد و به همین دلیل وزارت امور خارجه آمریکا را مأمور کرده که هر مناقشه و بحرانی که در جهان حل نشده است را پیدا کند تا ترامپ بتواند به نام خود برای آنها راهکار و راه‌حل پیدا کند که در نهایت نازمدی او برای جایزه صلح نوبل جدی شود. لذا این انگیزه‌های شخصی ترامپ هم در انتخاب زمان فعلی برای کلیدزدن کریدور زنگرور به نام مسیر ترامپ مؤثر واقع شده است.

سؤال مهم‌تر این است که بعد از این کریدور زنگرور، مسیر ترامپ یا هر اسم دیگری که دارد، اکنون ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی تغییر کرده و راه‌های ارتباطی ما به اروپا بسته شد و از این به بعد باید زیر بلیت ترکیه و جمهوری آذربایجان و آمریکا برویم؟

همان‌طوره که می‌دانید ما دو مسیر مواصلاتی داشتیم که طی تحولات یک سال گذشته هر دوی آنها بسته شد. یک مسیر از سوریه به سمت اروپا بود که بعد از سقوط حکومت اسد، عملاً بسته شد و دیگری هم از استان سیونیک و خاک ارمنستان بود که متأسفانه این مسئله هم با توافق سه‌جانبه روز جمعه بین آمریکا، آذربایجان و ارمنستان از دستور کار خارج شد و عملاً مسیر ترامپ، مرز مشترک ما با ارمنستان را به اجاره ۹۹ساله ایالات متحده درآورد. این دو مسیر، مسیرهای جایگزین ما برای مرادوات با اروپا به مسیرها از طریق ترکیه و جمهوری آذربایجان بودند. الان، هم مسیر ایران و ارمنستان

بسته است و هم مسیر ایران - عراق - سوریه - مدیترانه. در نتیجه مسیرهای باقی‌مانده، آذربایجان و ترکیه هستند که باید یادآور شد طی سال‌های گذشته، ما شاهد تجربه‌های بسیار تلخی توسط باکو و آنکارا برای افزایش فشار به تهران در جهت استفاده از این مسیرها برای رسیدن به اروپا بودیم. افزایش نرخ کمرکات، فشار امنیتی و بازرسی کامیون‌های ایرانی، توقیف اموال و کامیون‌ها که حتی باعث فاسدشدن و خراب‌شدن محموله کامیون‌ها شد. به هر حال باید اذعان داشت که ترکیه و آذربایجان در طول این سال‌ها از مسیرهای ترانزیتی خود به عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده می‌کردند و قطعاً با بسته‌شدن مسیر ارمنستان و سوریه و افزایش نیاز ایران به مسیر آذربایجان و ترکیه، هم آنکارا و هم باکو اهرم‌های فشار بیشتری را به ما وارد خواهند کرد.

صرفاً مسئله تجاری و اقتصادی است یا بحث‌های ناظر به کریدورها و مسیرهای ترانزیتی و مواصلاتی هم وزن بیشتری خواهند داشت؟

به نکته بسیار کلیدی اشاره کردید و اتفاقاً به نظر من، آمریکایی‌ها رویکرد اصلی خود برای نقش‌آفرینی در معادلات قفقاز را به حوزه‌های امنیتی اختصاص داده‌اند. زمانی که طبق این توافق سه‌جانبه، قرار است مسیر ترامپ را کریدور زنگرور به اجاره ۹۹ساله آمریکایی‌ها دربیاید، نباید مسئله را صرفاً در حوزه اقتصادی و تجاری و ترانزیتی و مواصلاتی یا انرژی دید. قطعاً آمریکایی‌ها با توجه به رقابتی که با ما دارند، سعی خواهند کرد این مسئله را به یک اهرم فشار تبدیل کنند و در این منطقه یک سد جدی در برابر ما برای هرگونه تعامل با اروپا فراهم کنند. پس مسئله، صرفاً تبعات مواصلاتی، ترانزیتی و کریدوری نیست و اینها فقط بخشی از موضوع است، بلکه باید توجه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، امنیتی، نظامی و میدانی هم اشاره کرد. به باور من، اصل و محور تمام این تحکرات بر خفگی و حصر ژئوپلیتیک ایران در مرزهای خود تأکید دارد. با قاطعیت می‌توان گفت که اکنون اسرائیل در آذربایجان و هرقاغ با ایران هم‌مرز شده است و آمریکا هم در ارمنستان و همین کریدور زنگرور، لذا اگر حتی آمریکایی‌ها به نام تجارت و اقتصاد، شرکت‌ها را وارد ارمنستان کنند و در کنار مرزهای ایران مستقر کنند، قطعاً در آینده به بهانه حفظ امنیت مسیرهای مواصلاتی و ترانزیتی و همچنین به بهانه حفظ امنیت شرکت‌های خود، مسئله استقرار نیروهای نظامی و تأسیس پایگاه‌ها در اطراف مرزهای ایران را مطرح می‌کنند و این به معنای حضور نظامی آمریکا در پشت مرزهای شمالی ایران است.

در ادامه همین تحلیل، جایی عنوان کرده بودید که بعد از این مسیر ترامپ، فضا برای پذیرش سریع جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان در ناتو و استقرار نیروهای این نهاد (ناتو)، در کنار مرزهای ایران هم فراهم شده است، یعنی علاوه بر اسرائیل و آمریکا، ناتو هم با ایران هم‌مرز خواهد شد، کمالیکه ناتو در ترکیه هم با ما هم‌مرز شده است.

بله. مسئله مهم‌تر از حضور نظامی آمریکا در کنار مرزهای ایران، تلاش برای پذیرش سریع و جدی جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان در ناتو است.

این نوع خفگی یا حصر ژئوپلیتیک ایران ادامه خواهد داشت؟ چون به موازات مناقشات مرزی با طالبان، شاهد کلیدخوردن کریدور زنگرور بودیم و برخی‌ها، موضوع جزایر سه‌گانه را مطرح می‌کنند.

باز هم باید با کمال تأسف اذعان کرد که اگر با دست‌فرمان چند سال گذشته بخواهم‌یک حرکت کنیم، قطعاً این خفگی در سایر مناطق پیرامونی کشور ادامه پیدا خواهد کرد. به هر حال، اکنون به نظر می‌رسد که ما درک واقعیت‌بنانه‌ای از پویایی تحکرات دیپلماتیک و ژئوپلیتیکی پیرامونی خود نداریم و تا زمانی که به این درک نرسیم و متناسب با آن تصمیم‌گیری نکنیم و تغییر قواعد بازی رقابت را در دستور کار قرار ندیم، حتماً در ادامه، چالش‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیک پیرامون ایران افزایش خواهد یافت و متأسفانه باید اذعان داشت که یکی از مناقشات ژئوپلیتیک دیگر در پیرامون مرزهای ایران، جزایر سه‌گانه خواهد بود که با نقش آفرینی و تحکرات دیپلماتیک چند سال اخیر امارات متحده عربی، به سرعت پتانسیل نقدشدن پیدا خواهد کرد. لذا ما در شرایط فعلی به یک بازآفرینی جدی در سیاست خارجی و حوزه ژئوپلیتیک نیاز داریم و به‌خصوص باید در سیاست همسایگی یک تجدیدنظر اساسی صورت بگیرد. در عین حال، باید با درک دقیق واقعیت‌بنانه از تحولات پیرامونی و شتاب معادلات جهانی، بتوان ا ابتکار عمل و راهکارهای لازم را تعریف و پیاده‌سازی کرد. امتداد شرایط فعلی و دست‌فرمان کنونی، عملاً به معنای بروز چالش‌ها و مشکلات جدی‌تر در حوزه ژئوپلیتیکی خواهد بود که می‌تواند تبعات مخرب جدی برای داخل کشور و امنیت ما داشته باشد. در نتیجه ضرورت بازآفرینی استراتژی و تغییر معادلات، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.



واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی پیش‌روی تهران پس از اجرای «مسیر ترامپ» در گفت‌وگو با شعیب بهمن

رفع چالش‌های ژئوپلیتیک ایران در سایه بازآفرینی سیاست خارجی

یک نکته، یک نظر

پنالتی



احمدشیرزاد

لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»، چگونگی پدیدارشدن و چگونگی پس‌گرفته‌شدن آن، هنوز جای بحث زیادی دارد. اخیراً آقای دکتر یوسف پزشکیان (فرزند محترم رئیس‌جمهور) یادداشتی را منتشر کرده و در آن توضیح می‌دهد این لایحه چگونه سینه‌خیز ۹ لایه سیم خاردار دفاعی هیئت دولت را رد کرده و به امضای رئیس‌جمهور رسیده است. در حقیقت، وزارت ارشاد و معاون مطبوعاتی آن، وزارت ارتباطات، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی، معاونت پارلمانی، کمسیون ویژه هیئت دولت، خود هیئت دولت و بالاخره معاون رئیس‌جمهور و خود رئیس‌جمهور، یکی پس از دیگری رو دست خوردند و لایحه از زیر دست آنها رد شد، آن هم با دو فوریت.

داستان شبیه آن است که یک تیم فوتبال از زمین خشک‌ش بزند و بازیکن حریف یکی پس از دیگری همه را درپیل بزند و آخر دست توی دهانه دروازه با روالی متفاوت، متوقف شود. آقای رئیس‌جمهور شبیه دروازه‌بانی عمل کرد که مجبور است تاول او پوچشی و خطای تیمش را بدهد و پنالتی را بگیرد. همه از گرفتن پنالتی خوشحال شديم و برای دروازه‌بان هورا تشدیدیم؛ اما چه شد که توپ از آن سوی میدان تا این سوی میدان بدون هیچ مقاومتی مسیر را طی کرد؟ نوشته قابل تأمل دکتر یوسف پزشکیان گویای بلیه‌ای است که از دریاز کریبان مدیریت کشور را گرفته است. در یک کلمه، گویا مدیران کشور وقت برای اداره کشور ندارند (لطفاً این جمله را دوباره بخوانید) پس چه می‌کنند این مدیران عزیز؟ عرض می‌کنم. بخش زیادی از وقتشان را در مراسم‌های مختلف طی می‌کنند. منکر ضرورت برخی مراسم‌ها که جریان‌سازی مثبت دارند نیستند. اما کشور بدجوری گرفتار رفتارهای ظاهری شده است. در این زمینه بعدها خواهم نوشت.

بخش دیگری از وقت مدیران به حل‌وفصل روزمرگی‌ها (با تشدید ر) می‌گذرد. شبیه می‌شود پنجشنبه و هفته تمام می‌شود و می‌بینی که وقت وزیر و معاونانش طی هفته صرف رفع مشکلی شده که یکی از مدیران کل هم می‌توانست آن را حل کند. مدیران که حق خودشان خوب می‌دانند که چقدر از تکالیف قانونی مربوط به تهیه آیین‌نامه‌ها بر زمین می‌ماند و کار به دقیقه ۹۰ می‌رسد، در حالی که آنها تمام انرژی کاری‌شان را برای امور روزمره تلف کرده‌اند. جلسات مهم و تعیین‌کننده هرکدام با بغل پرونده امضایی با خودشان آورده‌اند تا در جلسه امضا کنند یا شبیه چنین چیزی را در رایانه‌های قفل‌دار حمل با خود آورده‌اند. چند دقیقه یک بار سرشان را بالا می‌آورند ببینند چه خبر است و دوباره برمی‌گردن سروق کارهایی که با خودشان آورده‌اند. از اینکه کار را به مدیران زیردست بسپارند واهمه دارند اما از اینکه رودستی شبیه ماجرای لایحه مقابله بخورند ظاهراً تصویری ندارند.

از آن طرف هم که احزاب یا تعطیل‌اند یا حواسشان به مسائل محدود مورد علاقه خودشان است. اگر احزابی داشتیم که چشم بیدار ملت بودند و دست آنها برای رصد دستگاه‌ها باز بود، چرا باید سه سال از طرح یک موضوع مهم بگذرد و در آخرین گام که لایحه دوفوریتی به مجلس می‌رسد صدای آنها درآید؟ در هر صورت این دفعه دروازه‌بان پنالتی را گرفت؛ اما خوب است از ابتدا بازیگری‌ها درست باشد تا ركب نخوریم.